







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه دوازدهم – دور یازدهم – ۵ تیر ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

بخش دوم آیه اول:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ **جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا**

أُولَى أَجْنَحَةٍ مَّشْنَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ

يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (فاطر/۱)

سپاس و ستایش برای الله است که پدیدآورنده آسمان و زمین است (و) « ملائکه » را « مُرْسَل » قرار داد

که بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه دارند،

او در آفرینش هر چه بخواهد می افزاید زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

پرسش ۱:



« مورد: ۴۹۷ »:

« أجنحه » یعنی چه؟



« **أجنحه** » (جمع: جَنَاح):

« **بال** پرواز و فرود »،

« طرف » و « جانب » و « میل ».

شاید منظور ابراز قوای: دو گانه، سه گانه، چهار گانه است.

و شاید: ابرازِ قدرتِ دو بُعدی، سه بُعدی، چهار بُعدی باشد.

پرسش ۲:



فرق « ید » با « جَنَاح » چیست؟

« **يد** » در آیات متعددی، بیان کننده یک « **عضو** فعال بدن » است. مانند:

بقره/۲۴۹ ... وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ...

مائده/۲۸ لئن بسطت إلى يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك ...

مائده/۳۸ وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...

أعراف/۱۲۴ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلافٍ ...

هود/۷۰ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَ أَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ...

يوسف/۳۱ ... فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ...

و در برخی آیات، «**ید**» بیان کننده «**قدرت**» است. مانند:

مائده/۶۴ وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ ...

فتح/۲۴ وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ ...

حديد/۲۹ ... وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ممتحنه/۲ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْأَسْوَى ...

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱) ... بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (عبس/۱۵)

مسد/۱ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ

و گاه « **آیدی** »، « **عملکرد** و **مقابل** » را بیان می کند. مثل:

البقره : ۲۵۵ ... يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

آل عمران : ۳ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

مریم : ۶۴ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا

یس : ۴۵ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ ...

سبا : ۹ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

فصلت¹⁵ : ۲۵ وَ قَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُّوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

در هر صورت، « **ید** » یا « **دست** »،

« **بخشی** » از « **قدرت** » هر چیزی را

« **بروز** » می‌دهد،

اما « **جَنَاح** » یا « **بال** »،

« **تمامِ قدرت** » هر چیزی را بروز می‌دهد.

قرآن می فرماید:

وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا
وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
(أنفال / ۶۱)

و اگر (از هر نظر) به سازش « متمایل » شدند تو (نیز) آن را بپذیر،
و بر خداوند « توکل » کن زیرا او شنوای داناست.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

و خَفِّضُوا أَجْنَحَتَهُمُ لِلْمُؤْمِنِينَ

(خطبه/۱۹۲)

انبیاء و اولیاء الهی،

تمام وجودشان را برای مؤمنان ابراز می کردند ...

حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه هم در دعای ختم قرآن می‌فرمایند:

... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَغْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، ...

وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ،

وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ ... (دعای ۴۲)

و ما را از آنهائی قرار ده که به ریسمان او آویخته‌اند، ...

و در سایه احکامش مسکن گزیده و در پرتو درخشش او هدایت شده‌اند...

پیام « تعدادِ اُجنحه » ملائکہ چیست؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا

أُولَى أَجْنَحَةٍ

مُشَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ؟؟؟ (فاطر/١)

« شباھت » این « دو آیه » چیست؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ **جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا**

أُولَى أَجْنَحَةٍ مَّشْنَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ ... (فاطر/١)

فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ **النِّسَاءِ**

مَّشْنَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ ... (نساء/٣)

مرورِ « نکته‌ای مهم »:

در آیه اول عرض شد: «**رسول**» یعنی:

«رهاشده‌ای»، «**رهاننده**»:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ **الرُّسُولَ** النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... وَ

يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

... (اعراف/۱۵۷)

مفهوم دیگر « رسول » چیست؟

نکته مهم اینکه « **رسول** و **رها** شدگی »،

« جامعترین واژه » است:

برای بیانِ « **عصمت** و نهایتِ **شایستگی** »،

و اثباتِ « **انتصابِ الهی** » آن مَلَك یا بَشَر.

قرآن، فقط « **دو بار** »،

« اسم فاعلِ واژهٔ رسول » را آورده،

و « **مشکل گشا** » بودنِ هر « رسولی » را

به « **زیبائی** » بیان می‌فرماید:

مورد اول:



آیة ۲:



مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
وَمَا يُمْسِكِ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (فاطر/۲)

هر رحمتی را که خدا برای مردم « بگشاید »، « بازدارنده‌ای » برای آن نیست

و آنچه را « باز دارد » بعد از آن، « گشاینده‌ای » برایش نیست و اوست شکست‌ناپذیر حکیم.

مورد دوم:



وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ
فَنَظِرَةٌ بِهِم يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

(نمل/۳۵)

و (اینک) من ارمغانی (هدایتگر) (و گره گشا) برای آنها می فرستم،
و منتظر می مانیم (بینیم) آن مأموران (اعزامی) چگونه برمی گردند.

نكتة جالب :« »

« تمامِ دنیا پرستان »،

بدون اینکه بتوانند کمترین « نقصی »،

به عملکردِ « رسولانِ الهی » وارد کنند،

« اصلِ انتصاب » آنان را « انکار » می کنند:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا: لَسْتَ مُرْسَلًا

قُلْ: كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (رعد/۴۳)

و آنها که کافر و حق پوش و حق گریز و حق ستیزند می گویند: تو « منصوب » نیستی،
بگو: نظر خدا و آنکه « علم کتاب » نزد اوست، برای گواهی بین من و شما کافیست.

پریشانی ۳:



در آستانهٔ عید سعید **غدير** بفرمائيد:

« **عظمت** » مقامِ « **أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ** »،

صلوات الله عليه **چقدر است؟**

مورد اول:



حضرتِ « آصف برخیا » سلام الله علیه،

فقط « بخشی از علمِ کتاب » را در اختیار داشت:

قالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ:

أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ

.... (نمل / ٤٠)

اما آن « تأیید کننده انتصاب رسول اکرم »،

صلی الله علیه و آله، « علم تمام کتاب » را دارد:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا: لَسْتَ مُرْسَلًا

قُلْ: كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (رعد/۴۳)

و فقط « دارنده علمِ **تمام** کتاب »،

می تواند « ده ها بار » اعلام کند:

« **سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي** »

هر پرسشی را از من بپرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید.

مورد دوم:



قرآن، «أمیر المؤمنین» صلوات الله و سلامه علیه را
«اولین مدافع حریم رسول اکرم» صلی الله علیه و آله می داند:

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا
وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ، فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ
وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (تحریم/۴)

بخش اول آیه ۵:



يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

... (فاطر/۵)

ای مردم؛ همانا « وعده خدا »، « تحقق یافتنی » است،

مبادا این زندگی دنیا فریبتان دهد

پریشانی ۴:



» مورد: ۴۹۸ «:

» غُرور « یعنی چه؟



« غَرُّ » یعنی: « نشانی غلط داد »،

« نیرنگ زد »، « گمراه کرد »،

« غرور » یعنی:

« فریب خوردگی » و « إغفال شدن »،

« مغرور » یعنی: « فریب خورده »:

لطفاً «عاملِ غرور»

و فردِ «مغرور» را بیابید:



پرسش ۵:



«مواردِ غُرور» کدامند؟

مواردِ « غرور » و « فریب خوردگی » مثل:

« سراب » را « آب » دیدن،

« فانی » را « باقی » پنداشتن،

« امانت » را « ملک خود » دانستن،

« مستأجر »، خودش را « مالک » بپندارد،

« ظاهر و مجاز » را « باطن و حقیقت » پنداشتن:

زیاده خودت مغرور نشو!

به گورستان برو ...

آنجا افراد زیادی را می‌یابی که هر کدام می‌پنداشتند

« دنیا » بدون آنها، نمی‌چرخد.

مواردِ « غرور » مانند اینکه:

انسان، بجای « نماز و روزه و دعا و عبادت »،

« شانس و شراب و قمار و خرمهره و نعل اسب و خرافات » را

در رفع مشکلاتِ خود، « مؤثر » بیندارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده/ ۹۰)

« غُرُور » یعنی:

ترجیحِ « دنیا » نسبت به « آخرت »:

... اشْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ... (بقره/۸۶)

ترجیحِ « نقدِ فانی » به « نسیه باقی »:

كَأَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰) وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ (قیامت/۲۱)

« غُرُور » یعنی:

در نبرد « صفین » هر روز زندگی،

خود را از « رهبر منصوب الهی »،

« آگاه‌تر » و « قرآن‌شناس‌تر » و « دلسوزتر »،

و « اسلام‌شناس‌تر » و « انقلابی‌تر » پنداشتن.

« غرور » یعنی:

ترجیح « ولایت الهی » نسبت به « ولایت حرمت شکنان »:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ ... (بقره/۲۵۷)

ترجیح « مبارزه در راه حق » به « بردگی برای متجاوزین »:

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ ... (نساء/۷۶)

« غُرُور » یعنی: « وعده‌های عاقلانه الهی » را

« دروغ » و عاملِ « إغفال » و « فریب » بپنداریم،

اما « وعده‌های نفسانی شیاطین و طواغیت و ظالمین » را

عامل « سعادت » خود بدانیم:

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ:

ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (أحزاب/۱۲)

« غرور » یعنی:

« ولایت هر دکتر یا مهندسی » را به « ولایت فقیه » ترجیح دادن.

و « مستعمره » بودن را به « مستقل » بودن ترجیح دادن.

« سبزی (بَقْلِهَا) خیار (قِثَائِهَا) سیر (فُومِهَا) عدس (عَدَسِهَا) پیاز (بَصَلِهَا) »

با « الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ » و « بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ » را

به « طَعَامٍ وَاحِدٍ » همراه با « عزّت و آزادگی »، ترجیح دادن. (بقره/۶۱)

« غرور » اینست که:

انسانِ « فقیر »، خودش را « غنی » بیندارد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ
(فاطر/۱۵)

و اوجِ « غرور » اینست که همین انسانِ « فقیر »،

خداوند را « فقیر » بنامد:

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ
.... (آل عمران/۱۸۱)

پرسش ۶:



عواملِ «إغفال کنندہ» کدامند؟



عناصرِ دنیا:

عاملِ اول:

حديد: ٢٠ اَعْلَمُوا ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

آل عمران: ١٨٥ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

أنعام: ٧٠ وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ غَرَّتَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ...

أعراف: ٥١ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ...

جاثية: ٣٥ ذَلِكَ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ...

أنعام: ١٣٠ يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ ... وَ غَرَّتَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ...

چه چیز « دنیا، إغفال کننده » است؟

« ثروت » و « قدرت » و « شهرت »،

و « شهوت » و « مدرک » و « علم »،

و « فقر » و « مصائب » و « حوادث »،

و « عبادت » و « تخصّص » و « سفر »، ...



شیطان:

عاملِ دوم:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا
وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ
إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (٢٠)
وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (٢١)

فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ

فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا (أعراف/٢٢)

يَعِدُّهُمْ وَيُؤْمِنُ بِهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

(نساء/١٢٠)

وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ (مضطربشان کن)

وَاجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ (به آنها یورش ببر)

وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

وَعِدُّهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

(إسراء/٦٤)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ

يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (أنعام/۱۱۲)

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم،

بعضی از آنها به بعضی برای فریب (یکدیگر) سخنان «چرب» القا می کنند،

و اگر خدایت می خواست چنین نمی کردند پس آنها را با آنچه به دروغ می سازند واگذار.



ستمگران:

عاملِ سوم:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ؟
أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ؟

أَمْ آتَيْنَاهُمُ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْهُ؟ بَلْ

إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

(فاطر / ۴۰)

بگو آیا دیدید شریکانتان را که به جای خدا می‌خوانید؟ به من نشان دهید که: چه چیزی از زمین را آفریده‌اند؟
یا در آسمانها کاری کرده‌اند یا به آنها سندی داده‌ایم که دلیلی بر خود دارند؟ بلکه ظالمین جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند.



توہماتِ مذہبی:

عاملِ چہارم:

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا: لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ اِلَّا اَيَّامًا مَّعْدُوْدَاتٍ

وَ غَرَّهُمْ فِى دِيْنِهِمْ مَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ

(آل عمران / ۲۴)

آنها از عمل به کتاب آسمانی پرهیز می کنند زیرا ادّعا دارند که:
(گناهان ما مهم نیستند زیرا) آتش (مجازات) جز چند روزی هرگز به ما نمی رسد،
و « خیالپردازی های مذهبی خود آنها »، مغرورشان کرده است.



تحرک کفار:

عامل پنجم:

لَا يَغْفِرُكَ

تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

(آل عمران/ ۱۹۶)

« رفت و آمد و تغییرات کافران » در شهرها تو را نفریبد.

بخش دوم آیه ۵:



يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

(فاطر/۵)

ای مردم؛ همانا « وعده خدا »، « تحقق یافتنی » است، مبادا این زندگی دنیا فریبتان دهد،

و مبادا فریبنده‌ها، شما را نسبت به خدا نافرمان کند.

پرستی ۷:



» مورد: ۴۹۹ «:

» غَرور « یعنی چه؟



« غَرُور »:

« هر چیزی » است که

زمینه « غَرُور » و « عصیان » را فراهم می کند.

مانند: قدرت، ثروت، شهرتِ دنیوی، شیطان، حُب جاه معنوی! و ...

علم!، خیرات!، صدقات!، جهاد!، جانبازی!، اسارت!، عبادت! و ...

« غُرورهای اصلی » کدامند؟

يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ **الدُّنْيَا** وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ **بِاللَّهِ** **الْغُرُورُ**

(فاطر/٥)(لقمان/٣٣)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ

وَ غَرَّتْكُمْ **الْأَمَانِي** حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّتْكُمْ **بِاللَّهِ** **الْغُرُورُ**

(حديد/١٤)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ؛

مَا غُرِّيَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؟ (٦)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (٧) ... بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ (انفطار ٩)

ای انسان؛ چه چیز تو را درباره خدای بزرگوارت، « وقیح و نافرمان » کرد؟
او که تو را آفرید و (اندام) تو را درست کرد پس به تعادل درآورد. (نشانه قدرت، علم، حکمت الهی)
و شما بجای تشکر و قدردانی، « دین » و « آخرت » را « دروغ » می‌شمارید؟



خدایا:

« **عقلانیت** و **ایمان** » ما را چنان تقویت فرما

تا از هر « **غرور** » و « **غفلتی** » پرهیز کنیم،

و در « **اطاعت** » از « **أولیاء** تو » موفق^۳،

و در « **ظهورِ آخرین حجت** » سهیم باشیم.

السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته

